

## بررسی روایت «الزیدیه هم النصاب»: از صحت تا جعل

مهدی عسگری<sup>۱</sup>

قاسم جوادی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۹

### چکیده

در روایاتی که از ائمه علیهم السلام روایت شده، به پاره‌ای از فرقه‌های اسلامی صفاتی منتسب شده است. شیخ طوسی در تهذیب الأحکام و کشی در الرجال روایتی را از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که در آن روایت، زیدی‌ها با ناصبی‌ها یکسان انگاشته شده‌اند. آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، متن و سند این روایت است و بعد از آن، بررسی‌های تاریخی درباره زیدی‌ها انجام می‌گیرد. اهمیت این پژوهش در آن است که می‌تواند ما را با یکی از احادیثی که تا به حال درباره آن تأمل چندانی نشده، آشنا کند و به نزاع‌های میان فرقه‌ها اشاره کند. روش این پژوهش تاریخی و هرمنوتیکی است. نتیجه اجمالی که مقاله به آن دست یافته، این است که این روایت یا از جعلی‌ها یا از ناصبی‌ها بوده که در دعواهای فرقه‌ای به جعل این روایت مبادرت کرده‌اند و یا معنای جدیدی از ناصبی بودن را می‌خواهد بیان کند. شاید بتوان گفت که با توجه به داده‌های تاریخی، احتمال وضع و جعل این حدیث قابل دفاع‌تر است. کلیدواژه‌ها: ناصبی، زیدیه، بُتْرِبَه، تهذیب الأحکام، شیخ طوسی.

### ۱. مقدمه

شیعیان همچون دیگر فرقه اسلامی، یعنی اهل تسنن، به فرقه‌های گوناگونی تقسیم شده‌اند. یکی از این فرقه‌ها، فرقه‌ای موسوم به زیدیه است. این دسته از شیعیان، به گزارش

۱. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول) (mehdiaskari1371@gmail.com).

۲. استادیار مدرسه عالی امام خمینی (javadi608@yahoo.com).

برخی از تاریخ نگاران فِرَق، به چند فَرَقه تقسیم شده‌اند. بُثْرِيَه، سلیمانیه، یعقوبیه، نعیمیه و جارودیه. در این میان، فرقه‌ای دیگر در میان مسلمانان وجود دارد که به دلیل بغض و عداوتی که نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام داشتند، به ناصبی‌ها مشهور شدند. در برخی از روایات - که شیعیان اثنی عشری از امامان علیهم السلام نقل کرده‌اند - زیدیه نکوهش شده‌اند و در برخی دیگر از روایات به این مقدار بسنده نشده است، بلکه زیدیه را هم سنگ با واقفه و ناصبی‌ها قرار دادند و در برخی دیگر از روایات زیدیه را همان ناصبی خوانده‌اند. در این مقاله به بررسی روایت تهذیب الأحکام شیخ طوسی اشاره خواهد شد که در آن زیدیه با ناصبی‌ها یکسان دانسته شده‌اند. البته این روایت در منابع دیگر نیز نقل شده است، اما در این میان تهذیب الأحکام به دلیل این که از کتب اربعه است، مورد توجه قرار گرفت. بعد از بیان معانی برای نصب به اصل حدیث و احادیث مشابه آن اشاره و بعد از آن به رجال حدیث و اقوال علمایی که این حدیث را تفسیر کردند، نظری خواهد شد.

#### ۲-۱. پیشینه پژوهش

درباره این روایت تا به حال پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. درباره این حدیث تحلیل مختصری در این مقاله موجود است: «کبریت احمر، عنقاء مغرب و اسلام شناسی (نکاتی از تهذیب الأحکام شیخ طوسی)»، قاسم جوادی، فصلنامه علمی علوم حدیث، ش ۱۰۰، ۴۰۰ ش، ص ۲۰۹-۲۳۴. در صفحات ۲۱۸-۲۱۹ این مقاله تحت عنوان «زیدیه همان ناصبی‌ها هستند»، به این حدیث اشاره شده است. آنچه در این مقاله اشاره شده، تنها اشاره به اصل روایت است.

#### ۲. روایت تهذیب الأحکام

شیخ طوسی در تهذیب الأحکام، باب «مستحق الزکاة للفقروالمسکنة من جملة الأصناف» این حدیث را نقل می‌کند:

وَعَنْهُ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّدَقَةِ عَلَى النَّصَابِ وَعَلَى الرَّيْدِيَّةِ، قَالَ: لَا تَصَدَّقْ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ، وَ لَا تَسْقِيهِمْ مِنَ الْمَاءِ إِنْ اسْتَطَعْتَ، وَقَالَ: الرَّيْدِيَّةُ هُمُ النَّصَابُ.<sup>۱</sup>

همان طور که از متن روایت برمی آید، امام علیه السلام صدقه دادن و آب دادن به زیدی‌ها را ممنوع

۱. تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۵۳، ح ۱۴۱؛ الوافی، ج ۱۰، ص ۱۸۹-۱۹۰؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۲۲۲، ح ۱۱۸۸۴.

و آن‌ها را ناصبی اعلام می‌کند.

امامی که این روایت از ایشان نقل شده، در روایت تهذیب الأحکام ذکر نشده است، اما همین حدیث در رجال الکشی در ذکر «فی الزیدیه» با این سند روایت شده است:

حَمْدَوِيهِ، قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَدَّافٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّدَقَةِ عَلَى النَّاصِبِ وَعَلَى الزَّيْدِيَةِ فَقَالَ: لَا تَصَدَّقْ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ، وَلَا تُشَقِّهِمْ مِنَ الْمَاءِ إِنْ اسْتَطَعْتَ، وَقَالَ لِي: الزَّيْدِيَةُ هُمُ النَّصَابُ.<sup>۱</sup>

همان طور که سند روایت پیدا است، جزیک راوی، بقیه راویان حدیث با روایت تهذیب الأحکام یکسان هستند و عمر بن یزید از حضرت امام صادق عليه السلام روایت را نقل کرده است.

## ۲. روایات دیگر در یکسانی ناصبی‌ها با زیدیه

کشی در رجال روایتی را با این مضمون از امام رضا عليه السلام نقل می‌کند:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْبَرَاءِيِّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ، قَالَ حَكِي مَسْئُورٌ، عَنِ الصَّادِقِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام: أَنَّ الزَّيْدِيَةَ وَالْوَأَقِفَةَ وَالنُّصَابَ عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ وَاحِدَةٍ.<sup>۲</sup>

در روایتی دیگر، کشی از امام رضا عليه السلام نقل می‌کند که:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، قَالَ حَدَّثَنِي الْفَارِسِيُّ يَعْنِي أَبَا عَلِيٍّ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ قَالَ، قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ﴾، قَالَ: نَزَلَتْ فِي النَّصَابِ وَالزَّيْدِيَةِ وَالْوَأَقِفَةَ مِنَ النَّصَابِ.<sup>۳</sup>

البته در برخی از روایات، میان ناصبی و زیدی تفاوتی مطرح شده است؛ فی‌المثل در روایتی از وجود مقدس ابوالحسن عليه السلام (عنوان مشترک برای امام موسی بن جعفر و امام رضا عليه السلام) این گونه روایت شده است:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمِ بْنِ أَبِي

۱. رجال الکشی، ص ۲۲۹.

۲. همان، ص ۴۶۰. «از امام رضا عليه السلام نقل شده است که: نزد حضرت زیدیه، واقفه و ناصبی‌ها در یک مرتبه و جایگاه هستند.»

۳. همان؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۴۴. از امام جواد عليه السلام درباره آیات ۲ و ۳ سوره غاشیه پرسیدند، حضرت فرمودند: این آیات درباره ناصبی‌ها، زیدی‌ها و واقفی‌ها که همان ناصبی‌ها هستند نازل شده است.

سَلَمَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغْبِرَةِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: إِنَّ لِي جَارَيْنِ أَحَدُهُمَا نَاصِبٌ وَالْآخَرُ زَيْدِي وَلَا بُدَّ مِنْ مُعَاشَرَتَيْهِمَا فَمَنْ أَعَاشِرُ؟ فَقَالَ: هُمَا سَيَانٍ مَنْ كَذَّبَ بِآيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ، فَقَدْ نَبَذَ الْإِسْلَامَ وَرَاءَ ظَهْرِهِ، وَهُوَ الْمَكْذُوبُ بِجَمِيعِ الْقُرْآنِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنَّ هَذَا نَصَبٌ لَكَ وَهَذَا الزَّيْدِيُّ نَصَبٌ لَنَا.<sup>۱</sup>

مرحوم مجلسی این حدیث را ضعیف دانسته است.<sup>۲</sup>

از مجموع این روایات و روایات مشابه دانسته می‌شود که زیدی‌ها در کنار دیگر فرقه‌هایی که از دیدگاه شیعیان امامی گمراه هستند، قرار گرفته‌اند و در عداد با ناصبی‌ها قرار دارند. در ادامه، به اشکال‌هایی که می‌توان به روایت تهذیب الأحکام و روایات مشابه آن داشت، به صورت تفصیلی اشاره خواهد شد؛ اما به صورت اجمال می‌توان گفت که عدم تطابق با حقایق تاریخی و جعل به سبب دعواهای فرقه‌ای را می‌توان به عنوان دو اشکال عمده در پذیرش این روایت بیان کرد. برای توضیح هرچه بهتر درباره روایت، معانی نصب، رجال حدیث و تفسیر مجلسی اول و دوم بر این روایت را بیان کرده و سپس به نقد و بررسی درباره داده‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

### ۳. معانی نصب

برای نصب و ناصبی تعاریف گوناگونی ارائه شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

النصب: هو بغض علی و عداوته.<sup>۳</sup>

النصب بغض علی و تقدیم غیره علیه.<sup>۴</sup>

برخی از فقهای شیعه با نظر به برخی از روایات معتقدند:

۱. الکافی (الروضة)، ج ۸، ص ۲۳۵، ح ۳۱۴. عبد الله بن مغیره می‌گوید: به حضرت ابوالحسن عليه السلام عرض کردم: من دو همسایه دارم یکی ناصبی و دیگری زیدی و من ناگزیرم با آن‌ها رفت و آمد داشته باشم. با کدام یک آمد و شد کنم؟ امام عليه السلام فرمود: هر دو بد هستند، هر که آیه‌ای از کتاب خدا را تکذیب کند اسلام را پشت سرخویش رها کرده است و همه قرآن و انبیا و پیامبران را تکذیب نموده. امام عليه السلام سپس فرمود: این یکی [ناصبی] دشمن توست و آن زیدی دشمن ما (بهشت کافی / ترجمه روضه کافی، ص ۲۷۹).

۲. مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۱۸۰.

۳. الکشاف، ج ۴، ص ۷۲۲؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۱.

۴. هدی الساری، ص ۴۵۹؛ تدریب الروای، ج ۱، ص ۴۷۹.

فالذی ینظر من بعض الأخبار: أن النصب لا یختص ببغض أهل البیت علیهم السلام، بل هو مطلق من قدم الجبیت و الطاغوت.<sup>۱</sup>

در برخی از روایات دشمن شیعیان نیز ناصبی خوانده شده است:

باب معنی الناصب: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيهِ علیه السلام قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنِ ابْنِ فَضَالٍ، عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، يَقُولُ: لَيْسَ النَّاصِبُ مَنْ نَصَبَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، لِأَنَّكَ لَا تَجِدُ أَحَدًا يَقُولُ: أَنَا أُبْغِضُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَلَكِنَّ النَّاصِبَ مَنْ نَصَبَ لَكُمْ، وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّكُمْ تَتَوَلَّوْنَا أَوْ تَتَّبِعُونَا مِنْ أَعْدَائِنَا...<sup>۲</sup>

البته آنچه گفته شد، تمام معانی نیست که برای ناصبی ذکر شده است و می توان موارد دیگری را نیز ذکر کرد.<sup>۳</sup>

بعد از بیان معنایی نصب به روایت تهذیب الأحكام و مسائل مربوط به آن اشاره خواهد شد.

#### ۴. بررسی رجال حدیث تهذیب الأحكام

در سلسله راویان حدیث به اولین راوی با ضمیر «ه» اشاره شده که به محمد بن حسن صفار - که در روایت قبل از او روایت شده - بازمی گردد. نجاشی درباره او می نویسد:

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار: مولی عیسی بن موسی بن طلحة بن عبید الله بن السائب بن مالک بن عامر الأشعری، أبو جعفر الأعرج، كان وجهًا في أصحابنا القميين، ثقة عظيم القدر راجحًا قليل السقط في الرواية.<sup>۴</sup>

نفر دوم در سلسله راویان این حدیث، یعقوب بن یزید انباری است. درباره او نوشته اند:

۱. کتاب الطهارة، ج ۵، ص ۱۴۵. آنچه از بعضی اخبار به دست می آید این است که نصب اختصاصی به بغض اهل بیت علیهم السلام ندارد، بلکه مطلق مقدم کردن جبت و طاغوت را شامل می شود.

۲. معانی الأخبار، ص ۳۶۵. معلی بن خنیس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: ناصبی کسی نیست که با ما خاندان جملگی دشمنی و رزد، چون نمی توانی فردی را پیدا کنی که آشکارا بگوید: «من با محمد و آل محمد دشمن هستم»، و لکن «ناصب» کسی است که در مقابل شما قد علم کند، در حالی که می داند شما دوستداران ما هستید و یا دشمن دشمنان ما هستید (ترجمه معانی الأخبار، ج ۲، ص ۳۵۷).

۳. برای نمونه رک: الفوائد المدنیة، ص ۴۵۱ به بعد؛ الحدائق الناضرة، ج ۵، ص ۱۸۶ به بعد. در این باره کتابی مفصل نیز توسط بدر بن ناصر بن محمد العواد تحت عنوان النصب و التواصب دراسة تاريخية عقديّة در هزار صفحه نوشته شده است.

۴. رجال النجاشی، ص ۳۵۴، رقم ۹۴۸؛ رجال العلامة، ص ۱۵۷، رقم ۱۱۲.

### كان ثقة صدوقاً<sup>۱</sup>.

در جایی دیگر از او «کثیر الروایة، ثقة» یاد شده است.<sup>۲</sup> نفر سوم محمد بن عمر بن یعیان السابری است. در کتاب های رجال درباره او مطلب چندانی وجود ندارد. ابن داود از او یاد کرده<sup>۳</sup> و شیخ طوسی در رجال او را در زمره اصحاب امام رضا علیه السلام آورده است<sup>۴</sup> و همو درباره محمد بن عمر می نویسد:

محمد بن عمر بن یزید. له کتاب. أخبرنا ابن أبی جید، عن محمد بن الحسن بن الولید، عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن عبد الحمید، عن محمد بن عمر بن یزید.<sup>۵</sup>

آیه الله خویی در جمع بندی خود درباره نقل ابن داود و شیخ طوسی می نویسد:

وعده ابن داود، فی القسم الأول (۱۴۴۳) ولعله مبني على أصالة العدالة وكيف كان، فطريق الشيخ إليه صحيح، وإن كان فيه ابن أبی جید، فإنه ثقة على الأظهر.<sup>۶</sup>

نفر چهارم در روایت، محمد بن عذافر صیرفی است. نجاشی او را «ثقه» دانسته است.<sup>۷</sup> شیخ طوسی ضمن ثقه دانستن صیرفی، معتقد است که او کتاب داشته است.<sup>۸</sup> نفر آخر نیز عمر بن یزید بن یعیان السابری است. شیخ طوسی او را ثقه دانسته است.<sup>۹</sup> مرحوم علامه مجلسی دوم درباره سند این روایت معتقد است که روایت مجهول است.<sup>۱۰</sup> مرحوم مجلسی اول معتقد است که سند حدیث قوی است.<sup>۱۱</sup> مرحوم مقدس اردبیلی، محقق سبزواری و ملا احمد نراقی سند روایت را صحیح دانسته اند.<sup>۱۲</sup> با توجه به آنچه درباره

۱. رجال النجاشی، ص ۴۵۰، رقم ۱۲۱۵؛ رجال العلامة، ص ۱۸۶، رقم ۱ از باب الخامس.

۲. رجال الطوسی، ص ۳۹۳، رقم ۵۷۹۷؛ فهرست کتب الشیعة، ص ۵۰۸، رقم ۸۰۷.

۳. الرجال (لابن داود)، ص ۳۲۹-۳۳۰.

۴. رجال الطوسی، ص ۳۶۶، رقم ۵۴۴۱.

۵. فهرست کتب الشیعة، ص ۴۰۰، رقم ۶۰۷.

۶. معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۶۹.

۷. رجال النجاشی، ص ۳۵۹، رقم ۹۶۶؛ رجال العلامة، ص ۱۳۸، رقم ۹ از باب الأول محمد.

۸. رجال الطوسی، ص ۳۴۳، رقم ۵۱۱۳.

۹. رجال الطوسی، ص ۳۳۹، رقم ۵۰۴۶؛ فهرست کتب الشیعة، ص ۳۲۴، رقم ۵۰۳.

۱۰. ملاذ الأخیار، ج ۶، ص ۱۴۳.

۱۱. روضة المتقین، ج ۳، ص ۵۲.

۱۲. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۴، ص ۲۷۲؛ ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، ج ۲، ص ۴۵۷؛ مستند الشیعة فی أحكام الشریعة،

ج ۹، ص ۲۹۷.

راویان این حدیث بیان شد و اقوال برخی از علما، می‌توان این حدیث را از حیث سند صحیح دانست.

## ۵. تفسیر روایت تهذیب الأحکام نزد مجلسی اول و دوم

مجلسی اول در تفسیر این روایت می‌نویسد:

و كالصحيح منقول است از عمر بن یزید که گفت: از آن حضرت علیه السلام سؤال کردم از تصدق دادن به ناصبی و زیدی؟ حضرت فرمودند که: تصدق به ایشان مده و اگر توانی آب به ایشان مده و زیدی نیز ناصبی است و عداوت با ائمه معصوم علیهم السلام دارند که چرا جهاد نمی‌کنند؛ چنان که زید یک ساعت خروج کرد و خود را با جمعی کثیر به کشتن داد و از این جهت است که سنیان با زیدی [بد] نیستند؛ چون در بطلان شریک‌اند و اکثر فسادها از علما زیدیه شد و چندین هزار کس از سادات و شیعیان را به کشتن دادند و مباحثاتی که با حضرات ائمه هدی - صلوات الله علیهم - همیشه می‌کردند، مشهور است و بعضی از آنها در کافی مذکور است.<sup>۱</sup>

مجلسی دوم درباره این حدیث می‌نویسد:

قوله عليه السلام: «الزيدية هم النصاب» قيل: المراد البترية من الزيدية، لتصريحهم عليهم السلام بأن النصاب هم الذين قدموا فلاناً على علي عليه السلام.<sup>۲</sup>

علامه مجلسی در جایی دیگر می‌نویسد:

أقول: كتب أخبارنا مشحونة بالأخبار الدالة على كفر الزيدية وأمثالهم من الفطحية و الواقفة و غيرهم من الفرق المضلة المبتدعة...<sup>۳</sup>

## ۶. نقد و بررسی

از آنچه تاکنون گفته شد، دانسته می‌شود که در حدیث تهذیب الأحکام امام علیه السلام زیدیه را با

۱. لوامع صاحبقرانی، ج ۵، ص ۵۱۶.

۲. ملاذ الأنخيار، ج ۶، ص ۱۴۳. قول امام علیه السلام که فرمود: «زیدی‌ها همان ناصبی‌ها هستند» [این‌گونه تفسیر می‌شود که] گفته شده است: مراد فرقه بُتریه از میان زیدی‌ها هستند؛ به سبب تصریح ائمه علیهم السلام که ناصبی را کسی می‌دانند که فلانی را بر علی علیه السلام مقدم می‌کنند.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۳۴. می‌گوییم: کتاب‌های روایی ما پُر است از اخباری که دلالت بر کفر زیدی‌ها و امثال آن‌ها مثل فطحی‌ها و واقفی‌ها از فرقه‌های گمراه‌کننده بدعت‌گذار دارد.

ناصبی‌ها یکسان دانسته و در احادیث دیگر نیز این معنا مورد تأکید قرار گرفته است. سند حدیث نیز صحیح است. در ضمن، مجلسی دوم - که درباره این حدیث اظهار نظر کرده - معتقد است که این حدیث بیان‌گر ناصبی بودن فرقه‌ای از زیدی‌ها، یعنی بُتْرِیّه است. اما با رجوع به کتاب‌هایی که در بیان أهواء و ملل نوشته شده است می‌توان گفت که زیدیه فرقه‌های گوناگونی داشته و تمامی این فرقه‌ها از محبان امیرالمؤمنین بوده‌اند. از این رو، حکم به ناصبی بودن آن‌ها دشوار است. برای توضیح مطلب به بیان فرقه‌های مختلف زیدیه اشاره خواهد شد.

الف) بُتْرِیّه: نوبختی درباره عقاید این فرقه از زیدیه می‌نویسد:

(و فرقة) قالت أنّ علیا كان أولى الناس بعد رسول الله ﷺ بالناس لفضله وسابقته و علمه، وهو أفضل الناس كلهم بعده، وأشجعهم وأسخاهم وأورعهم وأزهدهم، وأجازوا مع ذلك إمامة أبي بكر وعمر و عدوهما أهلاً لذلك المكان والمقام. وذكروا أنّ علیاً ﷺ سلّم لهما الأمر ورضی بذلك و بايعهما طائفاً غير مكره، وترك حقه لهما، فنحن راضون كما رضی الله المسلمین له ولمن بايع، لا يحل لنا غير ذلك، ولا يسع منا أحداً إلا ذلك، وأنّ ولاية أبي بكر صارت رشداً وهدى لتسليم علی ورضاه، ولو لا رضاه وتسليمه لكان أبو بكر مخطئاً ضالاً هالکاً، وهم أوائل «البتريّة»<sup>۱</sup>.

همان‌طور که از این عبارت نوبختی برمی‌آید، بُتْرِیّه مبعض امیرالمؤمنین ﷺ نبودند، بلکه امامت ابوبکر و عمر را جایز می‌دانستند؛ با این فرض که امیرالمؤمنین ﷺ خود این مسئله را با رضایت پذیرفته بودند.

در روایت ابوالحسن اشعری از بُتْرِیّه، این فرقه از پیروان حسن بن صالح بن ححی و کثیر النواء دانسته شده‌اند. اشعری نیز معتقد است که این دسته از زیدیه امیرالمؤمنین ﷺ را به ابوبکر و عمر تفضیل می‌دادند، لکن بیعت ابوبکر و عمر را نیز خطا نمی‌دانستند؛ زیرا امیرالمؤمنین ﷺ بیعت را به نفع این دو ترک کردند؛ اما درباره عثمان توقف می‌کردند و سخنی درباره او نمی‌گفتند.<sup>۲</sup> بغدادی معتقد است که این فرقه از زیدیه «أحسن حالاً» نزد اهل سنت هستند. از این رو، امام مسلم در صحیح از حسن بن صالح بن ححی نقل روایت کرده است.<sup>۳</sup>

۱. فرق الشیعة، ص ۲۰.

۲. مقالات الإسلامیین، ص ۶۸-۶۹؛ الأنساب، ج ۲، ص ۷۸.

۳. الفرق بین الفرق، ص ۲۴.



همان طور که از این عبارات به دست می‌آید، بُثْرِيَه نه دیگران را بر امیرالمؤمنین علیه السلام مقدم می‌کردند تا سخن مرحوم مجلسی دوم در تفسیر حدیث تهذیب الأحکام صحیح باشد و نه بغض امیرالمؤمنین علیه السلام را داشتند تا بتوان به آن‌ها ناصبی گفت. البته در برخی از روایات، سران این فرقه مذمت شده‌اند؛ فی‌المثل، در تفسیر العیاشی از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمودند:

إِنَّ الْحَكَمَ بْنَ عَتِيْبَةَ وَ سَلْمَةَ وَ كَثِيْرَ بِنِ النَّوَاءِ وَ أَبَا الْمَقْدَامِ وَ التَّمَارِ يَعْنِي سَالِمًا أَضَلُّوْا كَثِيْرًا مِّمَّنْ ضَلَّ مِنْ هَؤُلَاءِ النَّاسِ، وَ إِنْتَهُمْ مِمَّنْ قَالَ اللهُ: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُوْلُ آمَنَّا بِاللّٰهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِيْنَ﴾، وَ إِنْتَهُمْ مِمَّنْ قَالَ اللهُ: ﴿أَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ يَلْحَقُونِ بِاللّٰهِ إِنْتَهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِيْطٌ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِيْنَ﴾.<sup>۱</sup>

در این روایت از کثیر النواء - که از سران بُثْرِيَه است - در کنار دیگران با تعبیر «کسانی که مردم را گمراه می‌کنند» یاد شده است؛ اما این مذمت‌ها دلالتی بر ناصبی بودن آن‌ها ندارد. یا در تفسیر فرات کوفی آمده است:

فُرَاتٌ قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ الْعَبَّاسِ مُعْنَعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْأَرْحَبِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عَمِي يَقُوْلُ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ [الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ] أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ كَثِيْرَ النَّوَاءِ عِنْدَهُ فَتَكَلَّمْتُ كَثِيْرًا فَدَخَلَ رَجُلَانِ [رَجُلَيْنِ] فَأَطْرَاهُمَا فَقَالَ زَيْدٌ بِنُ عَلِيٍّ: يَا كَثِيْرُ، قَالَ: مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلَفَنِي فِي قَوْمِي وَ أَصْلَحَ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيْلَ الْمُفْسِدِيْنَ فَخَلَفَ وَ اللهُ أَبُوْنَا رَسُوْلَ اللهِ صلی الله علیه و آله وَ أَصْلَحَ وَ لَا وَ اللهُ مَا سَلَّمَ وَ لَا رَضِيَ وَ لَا اتَّبَعَ سَبِيْلَ الْمُفْسِدِيْنَ. وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَا حِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.<sup>۲</sup>

در این مکالمه زید بن علی به نوعی به عقیده کثیر النواء درباره رضایت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد خلافت دیگران طعنه می‌زند. شاید بتوان گفت این روایات تعریف دیگری از ناصبی بودن را بیان می‌کند و آن تعریف، این است که کسی که قابل باشد که امیرالمؤمنین علیه السلام رضایت به خلافت ابوبکر و عمر داشته است، ناصبی است و این دسته از زیدیه به این عقیده قابل بوده‌اند. از این رو ناصبی هستند. هرچند می‌توان این معنا را بیان کرد، اما این معنا از نصب، خلاف معنای اصطلاحی است که در میان علما رواج داشته است و باید ادله

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲. تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۴۴.

بیشتری برای آن اقامه کرد.

(ب) جارودیه: نوبختی درباره این فرقه می نویسد:

«و فرقة» منهم یسمون الجارودية. قالوا: بتفضیل علی علیه السلام و لم یروا مقامه یجوز لأحد سواه. و زعموا أنّ من دفع علیا عن هذا المكان فهو کافر و أنّ الأمة کفرت و ضلّت فی ترکها بیعته و جعلوا الإمامة بعده فی الحسن بن علی علیه السلام ثمّ فی الحسين علیه السلام ثمّ هی شوری بین أولادهما فمن خرج منهم مستحقاً للإمامة فهو الإمام.<sup>۱</sup>

اشعری در روایت خود از این فرقه از زیدیه بیان می کند که این فرقه از پیروان ابوجارود است. این فرقه معتقدند که رسول خدا صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را با نص به جانشینی خود برگزیده است.<sup>۲</sup>

همان طور که از گزارش نوبختی و اشعری دانسته می شود، جارودیه همچون شیعیان اثنی عشری امامت امیرالمؤمنین را به نص می دانند و برخلاف بئریه، معتقدند که هرکس امیرالمؤمنین علیه السلام را از این جایگاه تنزل دهد، کافر است. از این رو نمی توان این دسته از زیدیه را ناصبی دانست.

(ج) سلیمانیه: این فرقه از زیدیه اصحاب سلیمان بن جریر زیدی هستند. این فرقه بر این باورند که امامت به شورا است و امامت با بیعت دو مرد از بهترین امت نیز بسته می شود. همچنین این فرقه معتقدند که مفضول با وجود فاضل می تواند امامت کند.<sup>۳</sup> این گزارش از سلیمانیه نیز بیان گر هیچ گونه اثبات ناصبی بودن بر این فرقه نیست.

(د) نعیمیّه: این فرقه از پیروان نعیم بن یمان هستند. آن ها معتقدند:

أَنَّ عَلِيًّا كَانَ مُسْتَحَقًّا لِلْإِمَامَةِ، وَأَنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، وَ أَنَّ الْأُمَّةَ لَيْسَتْ بِمَخْطُئَةٍ خَطَأً أُمَّمٌ فِي إِنْ وَلَّتْ أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا -، وَ لَكِنَّمَا مَخْطُئَةٌ خَطَأً بَيْنًا فِي تَرْكِ الْأَفْضَلِ، وَ تَبَرُّءِ مَنْ عَثَمَانَ، وَ مَنْ مَحَارَبِ عَلِيٍّ وَ شَهِدُوا عَلَيْهِ بِالْكَفْرِ.<sup>۴</sup>

با توجه به این گزارش نیز نمی توان گفت که این فرقه از زیدیان ناصبی هستند.

۱. فرق الشیعة، ص ۲۱.

۲. مقالات الإسلامیین، ص ۶۷.

۳. همان، ص ۶۸.

۴. همان، ص ۶۹.

ه) یعقوبیه: این دسته از زیدیان امامت ابوبکرو عمر را جایز می‌دانستند، اما از کسانی که از ابوبکرو عمر تبری می‌جستند، تبری نمی‌کردند.<sup>۱</sup> با توجه به این گزارش هم نمی‌توان این فرقه را جزء نواصب به حساب آورد.

و) اشعری فرقه‌ای دیگر از زیدیان را تحت عنوان «الفرقة الخامسة من الزيدية» آورده که از ابوبکرو عمر تبری می‌جستند.<sup>۲</sup> این فرقه را نیز نمی‌توان جزء فرقه ناصبی‌ها دانست. با توجه به آنچه درباره فرقه‌های مختلف زیدیه بیان شد، شاید بتوان گفت که حدیث تهذیب الأحکام را بتوان به دو گونه توضیح داد:

۱. معتقد شویم که اصل حدیث جعلی است و کسی که متن آن را جعل کرده، سند آن را هم به خوبی جعل کرده است تا حدیث از لحاظ سند صحیح و قابل احتجاج باشد، اما واضح به این مسئله توجه نداشته که جعل و وضع او با واقعیت‌های تاریخی درباره زیدیه هم خوانی ندارد و هیچ‌کدام از فرقه‌های زیدیه را نمی‌توان به ناصبی بودن متهم کرد؛ زیرا هیچ‌کدام از این فرقه‌ها بغض امیرالمؤمنین (علیه السلام) را نداشته‌اند.

۲. تفسیر دیگر از این روایت این است که به خاطر عدم تبری از خلفا - که به اعتقاد امامیه غاصب حق مسلم امیرالمؤمنین (علیه السلام) بودند - می‌توان آن‌ها را به نوعی دوست دار دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) دانست و این خود معنایی از نصب است. اگر این معنا را ثابت بدانیم، آنگاه این عقیده تنها برای بُثْرَیّه ثابت نخواهد شد؛ همان‌طور که مجلسی دوم تنها برای بُثْرَیّه با لفظ «قیل» بیان کرده است، بلکه برای دیگر فرقه‌های زیدیه - که از ابوبکرو عمر تبری نمی‌جویند - نیز این معنا ثابت خواهد بود.

البته تفسیری دیگر نیز می‌توان از ناصبی ارائه داد که ذیل بُثْرَیّه به آن اشاره شد. به هر حال با توجه به روایاتی که در مذمت کثیرالنواء آمده و وی نیز از بنیان‌گذاران بُثْرَیّه بوده، این فرقه از زیدیان در مظان بیشتری برای ناصبی بودن قرار داشته‌اند. هرچند شواهد تاریخی و عقیدتی این فرقه گمراهی آن‌ها را ثابت می‌کند، اما ناصبی بودن آن‌ها محل تأمل است.

## ۷. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد:

۱. الفرق بین الفرق، ص ۲۵.

۲. مقالات الإسلامیین، ص ۶۹.

۱. روایت تهذیب الأحکام از لحاظ سندی صحیح است و از این رو، باید به آن توجه ویژه کرد و علاوه بر سند صحیح این روایت، روایات دیگر نیز مؤید آن هستند که ناصبی‌ها با زیدی‌ها در یک ردیف قرار دارند.
۲. مجلسی اول و دوم - که دست به تفسیر این روایت زدند - هر چند یکی این حدیث را در جایی قوی و در جای دیگر مانند صحیح (کالصحیح) می‌دانند و دیگر مجهول، اما هر دو در این اتفاق دارند که زیدی‌ها از فرق گمراه شیعه هستند و مجلسی دوم حکم به کفر آن‌ها نیز می‌کند.
۳. در تفسیر روایت از فرقه‌های زیدیه بُتْرَیَه را به عنوان مصداق در حدیث دانسته‌اند، اما با توجه به گزارش‌هایی که درباره این فرقه وجود دارد نسبت نصب به آن‌ها دادن بسیار دشوار است، مگر این‌که گفته شود ناصبی کسی است که معتقد باشد، امیرالمؤمنین به امامت ابوبکر و عمر راضی بوده است که این معنا از نصب نیز چندان پژوهیده نشده است.
۴. شاید بتوان گفت که این روایت در دعوای فرقه‌ای - که میان امامیه و زیدیه و دیگر فرق شیعه بوده - جعل شده است. این نظریه به دلیل عدم همراهی واقعیات تاریخی و اطلاعاتی که از فرقه‌های مختلف زیده به دست ما رسیده، از جهاتی قابل دفاع تر است.

#### کتابنامه

- کتاب الطهارة، مرتضی بن محمد امین انصاری دزفولی، تصحیح: گروه پژوهش در کنگره، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری [تراث الشيخ الأعظم رحمته]]، ۱۴۱۵ق.
- ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، محمدباقر بن محمد مؤمن سبزواری، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۲۴۷ق.
- الأنساب، ابوسعید عبدالکریم بن محمد سمعانی، تحقیق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۹۶۲م.
- البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بن سلیمان بحرانی، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسه البعثة، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ش.
- بهشت کافی (ترجمه روضه کافی)، محمد بن یعقوب کلینی، ترجمه: حمیدرضا آژیر، قم: انتشارات سرور، ۱۳۸۱ش.
- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی، جلال الدین سیوطی، بعنایه: مازن بن محمد السرساوی، المملكة العربیة السعودیة: دار ابن الجوزی، ۱۴۳۱ق.

- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
- تفسیر فرات الكوفي، فرات بن ابراهیم كوفي، تحقیق: محمد كاظم، تهران: مؤسسة الطبع و النشری وزارة الإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۰ق.
- تهذیب الأحكام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق حسن خرسان الموسوی، تهران: دار الكتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسه، سوم، ۱۳۷۳ش.
- رجال الكشي (إختيار معرفة الرجال)، محمد بن عمر كشي، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش.
- الرجال، حسن بن علی (ابن داود) تقی الدین حلی، تصحیح: محمد كاظم میاموی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- رجال، حسن بن یوسف بن مطهر علامه حلی، تصحیح: محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف: دار الذخائر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
- رجال، حسن بن یوسف علامه حلی، تصحیح: محمد صادق بحر العلوم، قم: الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
- روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، تصحیح: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهازدی، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، عبیدالله بن عبدالله حسكاني، تصحیح: محمد باقر محمودی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۱ق.
- فرق الشيعة، حسن بن موسی نوبختی، بیروت: دارالأضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- الفرق بين الفرق و بيان الفرقة الناجية منهم، عبد القاهر بغدادی، بیروت: دارالجيل و دارالآفاق، ۱۴۰۸ق.
- فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: عبدالعزیز طباطبائی، گردآورنده: مكتبة المحقق الطباطبائي، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ق.

- الكافي (فروع)، محمد بن يعقوب كليني، تقديم وتعليق على اكبر غفاري و محمد آخوندي، تهران: دارالكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، محمود بن عمر زمخشري، تصحيح مصطفى حسين احمد، بيروت: دارالكتاب العربي، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ق.
- لوامع صاحبقراني المشتهر بشرح الفقيه، محمدتقي بن مقصود على مجلسي، قم: مؤسسه اسماعيليان، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، احمد بن محمد اردبيلي، تصحيح: مجتبي عراقي، على پناه اشتهاردی، حسين يزدي اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۰۳ق.
- مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، محمدباقر بن محمدتقي مجلسي، تحقيق: سيدهاشم رسولي محلاتي، تهران: دارالكتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- مستند الشيعة في أحكام الشريعة، مولى احمد بن محمد مهدي نراقي، تصحيح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۵ق.
- معاني الأخبار، محمد بن علي (شيخ صدوق) ابن بابويه، ترجمه: عبدالعلي محمدی شاهرودی، تهران: دارالكتب الإسلامية، دوم، ۱۳۷۷ش.
- معاني الأخبار، محمد بن علي (شيخ صدوق) ابن بابويه، تصحيح: على اكبر غفاري، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۳ق.
- معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، ابوالقاسم خويي، بي نا، بي جا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
- مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين، ابوالحسن اشعري، آلمان - ويسبادن: فرانس شتاينر، چاپ سوم، ۱۴۰۰ق.
- الوافي، محمد محسن فيض كاشاني، اصفهان: كتابخانه امام أميرالمؤمنين علي عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
- وسائل الشيعة، محمد بن حسن شيخ حر عاملي، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹ق.
- هدى الساري مقدمة فتح الباري، احمد بن علي ابن حجر عسقلاني، تصحيح: محب الدين خطيب، بي جا، المكتبة السلفية، بي تا.